

### **Economic uncertainty And Performance Insurance joint stock companies**

**Purpose:** This research aims to study the effect of economic uncertainty on the performance of insurance companies. The insurance industry is one of the indicators of development on the one hand and one of the most important economic institutions, and on the other hand it supports the activities of other institutions.

**Methodology:** In this research, the independent variable is economic uncertainty, which for its calculation is one of the macroeconomic variables, which includes three components: 1- economic growth rate, 2- inflation rate, 3- unemployment rate, and the dependent variable is insurance performance, which has three indicators. 1-Profit margin 2-Return on assets 3-Customer satisfaction was measured. In the inferential statistics section, it is used to test hypotheses and find relationships between variables. In this research, structural equations using pls method are used to test the hypotheses

**Findings:** The results showed that macroeconomic variables have a significant relationship with the performance of the insurance industry, and non-financial variables also have a significant relationship with the performance of the insurance industry.

**Conclusion:** Today, in most countries, the issue of economic uncertainty is one of the most important economic issues. Phenomena such as growth, unemployment, inflation, arise in any country for any reason. The results showed: macroeconomic variables (growth rate, inflation rate, unemployment rate) have a significant relationship with the performance of the insurance industry. Also, non-financial variables (political stability, independence of insurance companies from the government) have a significant relationship with the performance of the insurance industry. .

### نااطمینانی اقتصادی و خط مشی های عملکرد شرکت ها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۲

علی ضمیری<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۷

مهناز ربیعی<sup>۲</sup>

#### چکیده

هدف: این پژوهش با هدف مطالعه تاثیر نااطمینانی اقتصادی بر عملکرد شرکت های بیمه می-باشد. صنعت بیمه به عنوان یکی از شاخص های توسعه یافتگی از یک سو و یکی از عمده ترین نهادهای اقتصادی مطرح بوده و از سوی دیگر فعالیت سایر نهادها را پشتیبانی می نماید.

روش شناسی: در این تحقیق متغیر مستقل نااطمینانی اقتصادی می باشد که برای محاسبه آن از متغیرهای کلان اقتصادی شامل سه مولفه: ۱- نرخ رشد اقتصادی ۲- نرخ تورم ۳- نرخ بیکاری می باشد و متغیر وابسته عملکرد بیمه می باشد که با سه شاخص ۱-حاشیه سود ۲-بازده دارایی ها ۳-رضایت مشتریان سنجیده شد. در بخش آمار استنباطی جهت آزمون کردن فرضیه ها و پیداکردن رابطه ها بین متغیرها می باشد. ما در این پژوهش جهت آزمون کردن فرضیات از معادلات ساختاری به روش  $pl s$  استفاده می شود

یافته ها: نتایج نشان داد که متغیرهای کلان اقتصادی با عملکرد صنعت بیمه رابطه معنی داری دارند و همچنین متغیرهای غیر مالی نیز با عملکرد صنعت بیمه روابط معنی داری دارند.

نتیجه گیری: امروزه در عمده کشورها موضوع عدم اطمینان در اقتصادی از مباحث حائز اهمیت اقتصادی محسوب میشود. پدیده هایی همچون رشد، بیکاری تورم، به هر علتی که در هر کشوری وجود می آید. نتایج نشان دادند: متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ رشد، نرخ تورم، نرخ بیکاری) با عملکرد صنعت بیمه رابطه معنی داری دارند. و همچنین متغیرهای غیر مالی (ثبات سیاسی، استقلال شرکت های بیمه از دولت) با عملکرد صنعت بیمه رابطه معنی داری دارند.

**کلمات کلیدی:** نااطمینانی اقتصادی، عملکرد شرکت بیمه، نرخ ارز، تورم.

**طبقه بندی موضوعی:** نااطمینانی اقتصادی، عملکرد شرکت بیمه، رضایتمندی مشتریان،

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری مدیریت مالی-بیمه، دانشگاه آزاداسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

mahyar\_zam@yahoo.com

<sup>۲</sup>استادیار گروه مدیریت مالی-بیمه، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Mahnaz.rabiei@ yahoo.com

یکی از اهداف اساسی کشورها دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و توسعه می باشد. در ادبیات اقتصادی سرمایه به منزله شریان حیات یک نظام اقتصادی تلقی شده و بر تشکیل آن به عنوان مهمترین عامل تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی تأکید زیادی شده است. همچنین امروزه ریسک ابعاد گسترده‌های پیدا کرده و تمام بنگاه‌های کوچک و بزرگ پیوسته با انواع مختلف ریسک روبرو هستند. بنابراین برای اینکه اقتصاد جامعه به رشد و توسعه برسد، لازم است هم در بخش تجهیز سرمایه و تامین مالی و هم در موضوع ریسک و مدیریت آن شرایط لازم فراهم شود. عدم توسعه بخش مالی یکی از دلایلی است که کشورهای فقیرتر میل به کاهش بیشتری در تولید کل خود نسبت به اقتصادهای پیشرفته تر نشان میدهند. این اثر به ویژه در انقباض‌های ناگهانی تولید شدیدتر است. بازار سرمایه، بازار پول و بیمه به عنوان ارکان اصلی بخش مالی، هر یک نقش به سزایی در اقتصاد کشورها به عهده دارند. به دلیل اهمیتی که این بازارها دارند، دولتها، تنظیم برخی از جنبه‌های این بازار را مخصوصاً نقش بیمه ضروری می دانند.

عدم اطمینان واقعی از زندگی است. آنچه در کتاب‌های اقتصاد خرد و کلان در رابطه با تصمیمات مصرف کنندگان و تولید کنندگان مورد بررسی قرار می گیرد، با فرض فضای اقتصادی مطمئن و با اطلاعات کامل میباشد. اما در دنیای واقعی، اقتصاد پر از نا اطمینانی عوامل اقتصادی می باشد. بنابر این در شرایط وجود نا اطمینانی می توانیم شاهد بروز رفتارهای متفاوتی نسبت به تئوری‌های اقتصادی باشیم (پورشهایی، ۱۳۹۰).

رکود اقتصادی در چند ماهه اخیر با دامنه فراگیر و پیامدهایی که داشته تغییراتی را در فضای اقتصادی و اجتماعی جهان ایجاد کرده است. با ظهور موج اخیر بیکاری‌ها و شکست‌های مالی در عناوین اخبارهای جهانی، شرکت‌های بیمه بیشک با چالش‌هایی روبرو خواهند شد که ممکن است تهدیدی برای ادامه حیات و یا سطح ریسک پذیری آنها باشد (کتس، ۲۰۱۲).

پیشرفت هر جامعه‌ای با توسعه اقتصادی آن کشور همواره ملازم بوده است. افزایش مبادلات، ترقی سطح زندگی و توسعه سرمایه‌گذاری موجب پیشرفت و نیز بهبود وضع معیشت افراد کشور و حفظ ثروت ملی شده و به شکل‌گیری پس‌اندازهای بزرگ کمک می‌کند. در تقسیم‌بندی فعالیت‌های اقتصادی، این فعالیت‌ها به ابعاد مالی و غیرمالی (کالا و خدمات) تقسیم‌بندی می‌شوند. فعالیت‌های صنعت بیمه با دریافت حق بیمه و سرمایه‌گذاری آن در بخش‌های مختلف اقتصادی همراه بوده تا بتوانند نسبت به تعهدات آتی در قبال بیمه‌گذاران پاسخگو باشند. بخش‌های مختلف اقتصادی با تاثیر متقابل بر یکدیگر، در رشد و توسعه پایدار موثرند. بخش خدمات به عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصادی، سهم قابل توجهی در تولید ناخالص ملی دارد. یکی از اجزاء تشکیل دهنده بخش خدمات، صنعت بیمه به عنوان پشتوانه مالی و روانی می باشد. نزدیک به یک قرن از آغاز فعالیت‌های بیمه‌ای در ایران می‌گذرد. در این مدت صنعت بیمه فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است و هنوز جایگاه واقعی خود را در بین اقشار مختلف جامعه پیدا نکرده و نقش مورد انتظارش را در نظام اقتصادی کشور ایفا نکرده است (محمدی و میرزایی، ۱۳۸۹). بیمه در زمره مهم‌ترین ابزارهایی است که برای ایجاد آمادگی رویارویی با تهدیدات ابداع شده است. این فرآورده ارزشمند بشری با قابلیت‌های خود بسیاری از آثار نامطلوب رویدادهای غیر مترقبه را کنترل کرده است و تحقیقاً در

هر کشوری رشد و توسعه صنعت بیمه تحت تاثیر دو گروه عامل درونی و بیرونی قرار دارد که از بیرون مرتبط با عوامل دولتی و بازار و از درون وابسته به سیاست‌های سازمانی است. (روژه و بو، ۱۳۹۰).

صنعت بیمه به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی از یک سو به عنوان یکی از عمده‌ترین نهادهای اقتصادی مطرح بوده و از سوی دیگر فعالیت سایر نهادها را پشتیبانی مینماید. براساس آماری که توسط مؤسسه سوئیس ری منتشر شده است، میزان حق بیمه تولیدی جهان در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۴۶۰۰۰ میلیارد دلار بوده است (نشریه سیگما، ۲۰۱۳). صنعت بیمه کشور (در سال ۱۳۹۱) با سهم ۰٫۱۸ درصدی از کل حق بیمه‌های تولیدی جهان در رتبه ۴۲ صنعت بیمه دنیا قرار دارد، حال آنکه رتبه کشور ترکیه در این زمینه ۳۸ است. کسب مقام اول در دنیا بر مبنای رشد اسمی حق بیمه تولیدی به میزان ۴۵ درصد در سال ۱۳۹۰ و تداوم این رشد به ۵۲ درصد در سال ۱۳۹۱ از جمله مهمترین دستاوردهای بین‌المللی صنعت بیمه میباشد. سرانه حق بیمه در ایران ۱۳۹ دلار در برابر رقم سرانه جهان با ۶۵۶ دلار قرار دارد. این رقم در مقایسه با سرانه حق بیمه کشورهای هم‌چون ترکیه، عربستان، کویت، قطر و امارات فاصله داشته و کشور ما در این مورد در رتبه ۶۴ قرار دارد (کریمی، ۱۳۹۲).

یکی از مهم‌ترین شاخصهای بررسی وضعیت صنعت بیمه در کشورها محاسبه ضریب نفوذ بیمه آن است. این ضریب در ایران (با توجه به عدم اعلام رقم رسمی GDP برای سال ۱۳۹۱) حدود ۲ درصد است که در رتبه ۶۶ جهانی قرار دارد. بررسی سهم بیمه‌های زندگی در صنعت بیمه جهان نشان می‌دهد سهم این بخش از کل صنعت بیمه در جهان حدود ۵۷ درصد است؛ در حالی که سهم بیمه‌های زندگی از کل صنعت بیمه ایران در سال ۱۳۹۱ تنها ۸ درصد می‌باشد. این امر حاکی از آن است که فعالیت بیمه‌گران ایرانی در زمینه‌های بیمه‌های عمر و بازنشستگی بسیار کم‌رنگ است. مشابه دیگر نهادهای اقتصادی کشور، در صنعت بیمه نیز نقش بخش دولتی بسیار زیاد می‌باشد؛ به طوری که ۴۵٫۶ درصد بازار بیمه در اختیار شرکت بیمه ایران (دولتی) و ۵۴٫۴ درصد دیگر در اختیار شرکت‌های بیمه خصوصی قرار دارد. البته این وضعیت در سال‌های اخیر بهبود قابل ملاحظه‌ای یافته است.

براساس قوانین و مقررات بیمه‌ای کشور و اصول مربوط به فعالیت تولیدی در عرصه‌های اقتصادی، مأموریت صنعت بیمه کشور عبارت است از تولید و عرضه اطمینان برای چرخه‌های اقتصادی در بخش‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی کشور و جریان زندگی آحاد مردم با حداکثر کیفیت و قیمت متناسب با آن به صورتی همه‌جانبه، مکفی و پایدار (کریمی، ۱۳۹۲).

در جهان امروز رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری جایگاه بین‌المللی آن را رقم می‌زند، بنابراین کشورها برای آنکه بتوانند در عرصه بین‌المللی جایگاهی داشته باشند در صدد بر می‌آیند شاخص‌های توسعه یافتگی خود را بهبود بخشیده و از این طریق موجب تقویت اقتصاد و ایفاء نقش تأثیرگذاری در صحنه جهانی شوند. کشورهای در حال توسعه همیشه مواجه با نوسانات اقتصادی هستند (اوبر، ۱۳۸۷).

صنعت بیمه کشورمان با قدمت حدود ۸۰ ساله و با توجه به فراز و فرودهای اقتصادی مواجه شده تاکنون، نقشی متمایز در حوزه امنیت اقتصادی داشته که علاوه بر کارکرد آرامش‌روانی در حوزه سرمایه‌گذاری‌ها به بیمه‌گذاران خود در بعد خرد و به‌صورت کلان بر آحاد جامعه تأثیر مالی و روانی مثبت داشته است. اما این نکته را نمی‌توان نادیده گرفت که میزان تأثیرپذیری صنعت بیمه از اقتصاد بیش از میزان تأثیری است که صنعت بیمه بر اقتصاد می‌پذیرد. به هر حال شناسایی و تبیین ابعاد امنیت اقتصادی می‌تواند بر میزان تأثیر آن بر صنعت بیمه کشورمان به‌عنوان یک نهاد تأثیرگذار مؤثر باشد (مهدوی نیا و رحمتی، ۱۳۹۴).

صنعت بیمه در ایران آنچنان که شایسته‌ی کارکردهای این صنعت در عرصه‌های اقتصادی و غیراقتصادی است، توسعه نیافته است. این شرایط صرف نظر از مسائل محیط داخلی صنعت (ریسک‌های غیرسیستماتیک) تابعی از ریسک‌های سیستماتیک است که بخش عمده‌ای از آنها ناشی از نااطمینانی حاکم بر فضای کلان اقتصادی است. در واقع عاملین اقتصادی در هر صنعتی، بر اساس رفتار عقلایی سعی در کنترل اثرات نامطلوب نااطمینانی‌های فضای اقتصاد کلان بر فعالیتهای اقتصادی خود دارند. چنین کنترلی زمانی حاصل می‌شود که آنها از الگوی مناسبی برای پیش‌بینی نااطمینانی‌های فضای اقتصاد کلان و تاثیرگذاری آنها بر فعالیت‌های اقتصادی برخوردار باشند. در واقع، عاملین اقتصادی در صنعت بیمه نیز با پیش‌بینی‌های صحیح فضای اقتصاد کلان و مکانیسم تاثیرگذاری این فضا بر مولفه‌های تعیین‌کننده تصمیمات بیمه‌ای خود، به صورت پیش‌دستانه تحولات احتمالی آتی مربوط به نااطمینانی اقتصاد کلان را در تصمیمات خود لحاظ می‌کنند و از این طریق زیان ناشی از نااطمینانی فضای کلان اقتصادی بر مقولات بیمه‌ای خود را حداقل می‌کنند. نااطمینانی حاکم بر فضای اقتصاد کلان خود را به صورت بی‌ثباتی پیش‌بینی نشده در متغیرهای اقتصاد کلان نشان می‌دهد. این بی‌ثباتی ناشی از شوک‌های پیش‌بینی نشده‌ای است که خواستگاه آنها میتواند تحولات اقتصادی یا غیراقتصادی داخل یا خارج کشوری باشد. در تعریف و توصیف یک محیط اقتصاد کلان بر شاخص‌های مختلفی همچون شاخص نرخ تورم، نرخ رشد، نرخ ارز، نرخ بیکاری، وضعیت مالی دولت و وضعیت تراز پرداخت‌ها تأکید می‌شود (مورنو و همکاران، ۲۰۱۶). بر همین مبنا بی‌ثباتی این متغیرها نیز به عنوان بی‌ثباتی فضای کلان اقتصادی شناخته می‌شود. به هر حال، نتایج مطالعات متعددی تصدیق می‌کنند که فعالیت‌های بیمه‌ای و شرایط رشد و توسعه اقتصادی و بهره‌مند بودن از محیط باثبات اقتصاد کلان هر کشور دارای ارتباط متقابل با یکدیگر هستند؛ به طوری که بین بهبود اوضاع و فضای حاکم بر اقتصاد و رشد فعالیت‌های بیمه‌ای هر کشور میتوان ارتباط منطقی و مستقیم پیدا کرد (جهانگرد، ۱۳۹۰؛ بیکارگو و همکاران، ۱۳۹۰؛ لی و همکاران، ۲۰۱۶؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۶). مهمترین ویژگی اقتصاد ایران، وابستگی ساختار اقتصادی آن به درآمدهای حاصل از نفت است که این وضعیت موجب تأثیرپذیری از شرایط رکود یا رونق حاکم بر اقتصاد جهانی میشود (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۴). حال این درآمدهای ارزی نفتی از طریق منجر کردن مخارج دولت منجر به تحریک سمت تقاضا در اقتصاد ایران میشود و بخشی از این اضافه تقاضا از طریق عرضه داخلی و بخشی دیگر از طریق واردات پاسخ داده می‌شود. از آنجا که بخشی از تولید داخلی در اقتصاد ایران وابسته به واردات را با واردات جبران کرد. در نتیجه این امر سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد، ضمن آنکه تغییرات نرخ ارز خود دلیل دیگر بر تغییر سطح عمومی قیمت‌ها در بازار کالاها و خدمات میشود. تغییرات درآمدهای نفتی، مخارج دولت، بازار ارز و بازار کالاها و خدمات در نهایت منجر به تغییر سطح تولید ناخالص داخلی کشور و درآمد جامعه می‌شود. در گام بعدی این مولفه‌ها به همراه تغییرات تولید، تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر صنعت بیمه می‌گذارند، چراکه موضوعات بیمه‌ای بیمه‌گذاران همگی متأثر از وضعیت چنین فضایی است. فرآیند مذکور، مکانیسم ساختاری انتقال اثرات برخی متغیرهای کلان بر صنعت بیمه را نشان می‌دهد؛ اما با توجه به اینکه درآمدهای نفتی ماهیت تصادفی برای اقتصاد ایران دارند و بدلیل چنین ماهیتی امکان پیش‌بینی وقوع نوع و اندازه‌ی شوک‌های نفتی غیر ممکن است. در نتیجه متغیرهای مخارج جاری دولت، نرخ ارز، سطح عمومی قیمت‌ها و تولید با بی‌ثباتی مواجه می‌شوند و این بی‌ثباتی‌ها اهمیت بیشتری نسبت به خود متغیرهای اقتصاد کلان مذکور دارند؛ چراکه شوک‌های منفی و مثبت

<sup>۲</sup>Moreno

<sup>۳</sup>Lee

<sup>۴</sup>Liu

پیش بینی شده یک متغیر دارای اثرات پیش شده ی مطلوب یا نامطلوب بر روی تصمیمات مصرفی و سرمایه گذاری عاملان اقتصادی دارد؛ این درحالی است که بی ثباتی متغیرها بدلیل نااطمینانی که در عاملین اقتصادی ایجاد می کنند، قطعاً دارای تبعات نامطلوب اقتصادی است. کاهش چنین تبعات نامطلوبی در صنعت بیمه در وهله ی اول، نیازمند اندازه گیری بی ثباتی های فضای اقتصاد کلان؛ در وهله ی دوم، شناسایی مکانیسم انتقال بیثباتی فضای اقتصاد کلان بر صنعت بیمه و در وهله ی سوم پیش بینی اثرات بر اساس مکانیسم ساختاری شناسایی شده است (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۶).

توسعه مالی همواره از محورهای ضروری برای توسعه اقتصادی بوده است؛ شومپیتر استدلال می کند، خدمات مالی ارائه شده از سوی واسطه های مالی شامل به جریان انداختن پس انداز، ارزیابی طرحهای اقتصادی، مدیریت ریسک، کنترل و نظارت بر عملکرد مدیران و تسهیل مبادلات است. در تحقیقاتی، بلوچ و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که توسعه مالی از طریق بخش خدمات مالی باعث گسترش و توسعه اقتصادی خواهد شد، به نحوی که نقدینگی فراهم شده از سوی نهادهای مالی از طریق تسهیل جریان وجوه نقد به سوی انباشت سرمایه پروژه های اقتصادی موجب رشد اقتصادی و در نهایت توسعه اقتصادی خواهد شد. بنابراین توسعه اقتصادی از اهداف مهم کشور است و رسیدن به آن، نیاز به ابزارهایی دارد که مهمترین آنها پویایی، تکامل و توسعه بازارهای مالی شامل بازار پول، سرمایه و صنعت بیمه است. شرکتهای بیمه از جمله نهادهای مهم و محوری مالی هستند که به موجب ماهیت فعالیت شان یکی از کانال های مهم پس انداز می باشند که علاوه بر تامین امنیت فعالیت های اقتصادی از طریق ارائه خدمات بیمه ای و به کارگیری منابع مالی انباشته شده نزد خود در بازارهای مالی می توانند نقش بسیار اساسی و تعیین کننده ای در تحرک و پویایی در این بازارها و تامین وجوه قابل سرمایه گذاری فعالیت های اقتصادی داشته باشند، بیمه نه تنها نقش یک واسطه گر مالی را ایفا می کند بلکه از دو جنبه دیگر نیز می تواند در اقتصاد نقش ایفا نماید: الف) نقش آن در جبران خسارت؛ ب) نقش آن به عنوان یک نهاد سرمایه گذار. همانطور که اشاره شد حضور بازارهای مالی و فعالیت آنها میتواند رشد و توسعه اقتصادی را به دنبال داشته باشد؛ هارینگتون (۲۰۱۰) اعتقاد دارد که بحران مالی سال ۲۰۰۸ و اثرات آن بر بازارهای مالی و به خصوص صنعت بیمه بسیاری از پژوهشگران را برآن داشت که اقدام به بررسی شوک های اقتصادی بر عملکرد بازارهای مالی و به خصوص صنعت بیمه را در محورهای فعالیتی و پژوهشی خود قرار دهند. داس و همکاران (۲۰۱۲) استدلال می کنند که شرکت های بیمه باید برای تحقق سرمایه مورد نیاز و افزایش سرمایه در گردش شرکت، باید دقیق تر از دیگر موسسات مالی اقدام به بررسی ریسک های سیستماتیک نمایند؛ به عنوان مثال لغو بیمه نامه های بلندمدت ناشی از بحران های اقتصادی و شوک های اقتصادی معمولاً به معنی ضرر و زیان شرکت های بیمه منجر می گردد. انجمن بین المللی ناظران بیمه، بیان می دارد که صنعت بیمه یکی از مهمترین بازارهای مالی است که به فراخور بهره مند بودن از یک ساختار سلسله مراتبی تأثیرات بیشتری اشاره شده در صنعت بیمه به این ساختار اشاره دارد که شرکت های بیمه اولیه به شرکت های بیمه اتکایی مرتبط هستند، و علاوه بر ریسک سیستماتیک موجود در مرزهای جغرافیایی خود از ریسک سایر کشورهایی که در قالب شرکت های اتکایی با آنها در ارتباط هستند نیز متأثر می گردند (IAS, 2012). آچاریا (۲۰۰۹) اعتقاد دارد که اندازه شرکت های فعال در عرصه بیمه و میزان تأثیرپذیری آنها از بی ثباتی های اقتصادی باهم در ارتباط است

بطوریکه، شرکت های بیمه بزرگ بدلیل ساختارهای پیچیده تر مالی علاوه بر آنکه تاثیرپذیری بیشتری از بی ثباتی های اقتصادی دارند بلکه شرکت های کوچکتر و وابسته تر را نیز مبتلا به این بی ثباتی ها خواهند نمود. باغستانی و جعفری (۱۳۹۴) در مطالعه ای به رویکردی نوین تلاش نموده اند بررسی کنند که توسعه صنعت بیمه میتواند بر مولفه های فضای کسب و کار تاثیر گذار باشد و تنها از آنها تاثیر نمی پذیرد. نتایج مطالعه حاکی از نقش اندک صنعت بیمه در بهبود فضای کسب و کار در کشور و نیازمندی این صنعت به بازبینی در این جهت می باشد. پیکارجو و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه ای به بررسی اثرات متغیرهای کلان اقتصادی بر تقاضای بیمه عمر در کشورهای منطقه منا پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که تقاضای بیمه عمر در کشورهای مورد مطالعه با متغیرهای توسعه مالی، تولید ناخالص داخلی سرانه و اشتغال رابطه مثبت و معنادار و با متغیرهای نرخ تورم و نرخ بهره رابطه منفی و معناداری دارد؛ به طوری که کمترین ارتباط بین متغیرهای کلان اقتصادی با تقاضای بیمه عمر این کشورها مربوط به متغیر توسعه مالی می باشد؛ هم چنین بین متغیر شوک نفتی و تقاضای بیمه عمر کشورهای مورد مطالعه ارتباط معناداری وجود ندارد. عزیزی (۱۳۸۵) در مطالعه ای به بررسی رابطه میان متغیرهای کلان اقتصادی و تقاضا برای بیمه عمر در ایران پرداخته است. نتایج این تحقیق مبین آن است که نرخ سپرده های بلندمدت، قیمت بیمه، درآمد، بازده سهام و امید به زندگی از جمله مهم ترین عوامل موثر بر تقاضا برای بیمه عمر در ایران محسوب می گردند؛ در این راستا، قیمت بیمه رابطه معکوس قوی و مهمی با تقاضا برای بیمه عمر دارد. ووکنیچ و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه ای اثرات صنعت بیمه را در ثبات اقتصادی کشور نیوزیلند مورد بررسی قرار داده اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که بخش بیمه نقش مهمی در کمک به توسعه اقتصادی و رفاه نیوزیلند داشته و این بخش از طریق سرمایه گذاری، نوآوری و تامین سلامت مردم کمک شایانی به رشد اقتصادی داشته است. همچنین نتایج این مطالعه نشان می دهد که صنعت بیمه در صورتیکه موفق عمل نموده و از کارایی لازم برخوردار باشد می تواند اختلالات در نظام مالی و اقتصاد را به نحو مناسبی تعدیل نموده و به حداقل برساند. اسکینچ (۲۰۱۲) در مطالعه ای به بررسی اثرات بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ بر شرکت های بیمه پرداخته است. محقق مذکور، در این مطالعه کشورهای منتخب را به دو دسته تقسیم کرده است: الف) کشورهای در حال توسعه و ب) کشورهای توسعه یافته. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که صنعت بیمه و شرکت های فعال بیمه ای در کشورهای توسعه یافته بیشترین تاثیر را از بحران مذکور پذیرفته اند و کشورهای در حال توسعه بدلیل عدم توسعه یافتگی صنعت بیمه، از بحران مالی کمتر متاثر شده اند.

در این حوزه مطالعات زیادی انجام شده است که برخی از آنها عبارتند از:

- باقر زاده ۱۳۹۹ در تحقیقی به واکاوی اثر نااطمینانی قیمت داراییهای مالی و حقیقی بر رشد اقتصادی در ایران پرداخت. بسیاری از اقتصاددانان توسعه معتقد هستند که فضای نااطمینانی ایجاد شده در قیمت دارایی های مالی و حقیقی سبب تغییر در اندازه رشد اقتصادی میشود. لذا واکاوی تجربی این مساله که آیا قیمت دارایی ها به عنوان یک شاخص مهم اقتصاد کلان منجر به شکل گیری مانع در مسیر رشد میشود یا خیر امری ضروری به نظر میرسد. مطالعه حاضر در صدد ارزیابی اثر نااطمینانی قیمت دارایی های مالی و حقیقی بر رشد اقتصادی در ایران است. بدین منظور پس از کنترل مساله مانایی متغیرها در الگو در گام بعد برای شناسایی وجود ناهمسانی واریانس شرطی در متغیرها ابتدا اطلاعات مربوط به مرتبه ARMA متغیرهای مورد نظر در الگو استخراج گردید. در مرحله بعد برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس در متغیرهای مورد نظر از آزمون ARCH استفاده شد. نتایج نشان داد که فرضیه صفر این آزمون مبنی بر عدم وجود اثر ARCH با فاصله اطمینان ۹۵ درصد رد میشود در نتیجه با استفاده از

مدل ناهمسانی واریانس شرطی **GARCH** مرتبه نااطمینانی متغیرها و سطح معناداری آنها بدست آمد. در نهایت با کمک سری زمانی سالهای ۱۳۴۴-۱۳۹۶ و با بهره‌گیری از روش اقتصادسنجی خود رگرسیون با وقفه های گسترده **ARDL** به آزمون تجربی رابطه بین این میزان نااطمینانی با رشد اقتصادی پرداخته شد. نتایج تخمین مدل نشان داد که تاثیر نااطمینانی در نرخ ارز، نرخ بهره و قیمت طلا بر رشد اقتصادی منفی و تاثیر نااطمینانی در قیمت نفت و قیمت مسکن بر آن مثبت است. از آنجا که در اغلب موارد منشا نااطمینانی در قیمت داراییها از آثار جانبی سیاستهای اقتصادی دولتها و بانک مرکزی در کشورهای در حلا توسعه مییابد، بنابراین دولتها میتوانند با کاستن از این نااطمینانی ها، بر حجم رشد اقتصادی اثرگذار باشند.

- عادل و همکاران ۱۳۹۹ در تحقیقی به بررسی تاثیر نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی بر ریسک اعتباری بانک های ایران پرداختند. متغیرهای کلان اقتصادی شامل نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم، نرخ ارز و نرخ سود تسهیلات بانکی به عنوان متغیرهای مستقل می باشند و از نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات بانک ها به منظور اندازه گیری ریسک اعتباری و به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. نمونه آماری تحقیق نیز به مدت ۱۰ سال از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ و شامل ۵ بانک دولتی (ملی، مسکن، صنعت و معدن، سپه و کشاورزی) و ۵ بانک خصوصی (ملت، پارسیان، سامان، کارآفرین و اقتصادنوین) می باشد. نتایج تحقیق بیان می دارد که نااطمینانی متغیرهای نرخ رشد تولید، نرخ تورم و نرخ ارز بر ریسک اعتباری بانک ها دارای تاثیر مثبت و معنی دار است. اما تاثیر نااطمینانی نرخ سود تسهیلات بانکی بر ریسک اعتباری بانک ها، در بازه ی زمانی و مکانی تحقیق، منفی می باشد.

- حسین پور و همکاران ۱۳۹۸ در تحقیقی به تاثیر نااطمینانی های اقتصادی بر مصارف بانک صادرات پرداختند. بدین منظور ابتدا به تصریح فرم کلی مدل ها و پایایی متغیرها به صورت فصلی در دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۹۲ پرداخته شده است. سپس متغیر تولید ناخالص داخلی و تورم توسط مدل های **ARMA** برآورد گردیده است. در ادامه با استفاده از نتایج آزمون **ARCH** وجود ناهمسانی واریانس در پسماندهای الگوهای **ARMA** برآوردی تایید شده است و با استفاده از مدل های **ARCH\_GARCH** و واریانس شرطی مدل های نااطمینانی های تولید ناخالص داخلی واقعی و نااطمینانی های تورم برآورد گردیده اند. همچنین با استفاده از روش جوهانسون-جوسیلیوس وقفه بهینه مشخص گردیده است. در انتها نیز با استفاده از الگو خودرگرسیون برداری (**VAR**) روابط تعادلی بلند مدت به دست آمده است نتایج نشان داد نااطمینانی های تولید ناخالص داخلی واقعی تاثیر منفی و معناداری بر مصارف بانک صادرات دارد، همچنین نااطمینانی های تورم تاثیر مثبت و معناداری بر مصارف بانک صادرات دارد و از طرفی معناداری روابط متقابل میان متغیرها در هر دو مدل منابع بانک صادرات و مصارف بانک صادرات مورد تایید قرار گرفته است.

- نصر اصفهانی ورجبی ۱۳۹۸ در تحقیقی به تاثیر نااطمینانی شاخص های کلان اقتصادی و ریسک سیاسی بر بازده سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. دوره زمانی مورد مطالعه سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ می باشد و روش اقتصادسنجی مورد استفاده روش رگرسیون داده های تابلویی است. نتایج پژوهش نشان میدهد که نااطمینانی تورم و نرخ ارز تاثیر منفی و معناداری بر بازدهی سهام شرکت دارد. در سطح کلان، تورم و نرخ ارز به عنوان یکی از متغیرهای اصلی نقش قابل توجهی در عملکرد اقتصادی دارد. تورم و نرخ ارز، اول از همه بر وظایف پول اثر می گذارد و موجب ناکارایی ارزشی پول شرکت و در نهایت کاهش بازدهی شرکت می شود. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد که ریسک سیاسی تاثیر منفی و معناداری بر بازدهی سهام شرکت دارد. از آنجایی که هر فردی که بر مبنای منطق اقتصادی سرمایه گذاری می کند انتظار دارد تا با سرمایه گذاری در دارایی



هایی که بازده غیر ثابت و نامعینی دارد، بازده بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری‌های با بازده مطمئن و قطعی کسب کند. وی انتظار دارد سرمایه‌گذاری‌اش در سهام شرکت‌ها پر سودتر از خرید دارایی‌های مالی با بازده ثابت باشد. ریسک سیاسی سبب نوسانات بزرگی در تصمیمات سرمایه‌گذاران می‌شود.

• فتاحی و مرادی ۱۳۹۸ در تحقیقی به اثر نااطمینانی سیاست‌های پولی و مالی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک پرداختند. فرار گرفتن کشورهای و جوامع در یکی از دو گروه متمایز توسعه یافته و در حال توسعه، پیش از هر چیز به عملکرد اقتصادی آن‌ها و همچنین متغیرهای کلان اقتصادی مانند رشد اقتصادی آن جامعه بستگی دارد. به همین دلیل مسئله رشد و بهبود عملکرد اقتصادی و عوامل توسعه نیافتگی اهمیت پیدا می‌کند. لذا در کشورهای در حال توسعه لازم است به عوامل توسعه نیافتگی، توجه بیشتری شود به طوری که بتوان آن‌ها را جهت سرعت بخشیدن به روند توسعه کنترل کرد. به همین منظور این تحقیق سعی دارد تا با استفاده از روش خودرگرسیون برداری پانلی و همچنین به کمک داده‌های آماری سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۰۳ و مبانی نظری مرتبط به بررسی نااطمینانی‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو اوپک بپردازد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد متغیر رشد اقتصادی از تکانه‌های نااطمینانی‌های اقتصادی تاثیر پذیری دارند و شوک نااطمینانی باعث ایجاد تغییرات منفی در رشد اقتصادی خواهد شد.

• هارتمن و روستل ۲۰۲۰ در تحقیقی به بررسی رابطه نااطمینانی با رشد اقتصادی پرداختند. نتایج نشان داد: تورم و نااطمینانی تورم موجب کاهش رشد اقتصادی گردیده است. کشورهای با نرخهای پایینتر تورم به طور بالقوه با افزایش تورم در معرض خطر مواجه با کاهش تولید هستند. همچنین نااطمینانی تولید قابل سرایت به نااطمینانی تورم می‌باشد.

• جونز و اولسون ۲۰۱۹ در تحقیقی به تاثیر تورم، نااطمینانی بر رشد تولید پرداختند. نتایج نشان دادند که: همبستگی میان نااطمینانی اقتصاد کلان و تورم در این ۵ سال از منفی به مثبت تغییر میکند در حالی که همبستگی میان نااطمینانی و تولید همچنان منفی باقی میماند.

• نیانیدیس و ساوا ۲۰۱۹ در تحقیقی به تعیین نقش نااطمینانی در تورم، رشد تولید پرداختند. نتایج نشان دادند که: نااطمینانی در خصوص نرخ رشد تولید با متوسط نرخهای رشد بالاتر، در رژیم با رشد پایین مرتبط است. نااطمینانی نرخ تورم در سطوح بالا به طور عمده در رژیم با تورم بالاتر موجب کاهش نرخ رشد تولید میگردد.

• جیرانیاکول و اوپیللا ۲۰۱۸ در تحقیقی به بررسی رابطه بین نااطمینانی اقتصادی و تورم پرداختند. نتایج نشان داد: افزایش تورم باعث افزایش نااطمینانی تورم شده و افزایش نااطمینانی تورم، افزایش تورم را در پی خواهد داشت.

با جمع بندی مباحث مطرح شده در این مطالعه، فرضیه‌های زیر قابل طرح می‌باشد:

- متغیرهای کلان اقتصادی با عملکرد صنعت بیمه رابطه معنی داری دارند.
- متغیرهای غیر مالی با عملکرد صنعت بیمه رابطه معنی داری دارند.

### روش‌شناسی پژوهش

روش این مطالعه از نوع کمی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش مدیران و کارکنان شرکت بیمه می‌باشد که تعداد ۴۱۵ نفر از آنها با کمک جدول مورگان بعنوان نمونه انتخاب و داده‌های مورد نیاز پژوهش در مدل مفهومی آورده شد.

متغیر مستقل عوامل نااطمینانی اقتصادی می باشد که برای محاسبه آن از متغیرهای کلان اقتصادی شامل نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و نرخ بیکاری می باشد و متغیر وابسته عملکرد بیمه، با سه شاخص حاشیه سود، بازده دارایی ها و رضایت مشتریان سنجیده شد. در این تحقیق برای آزمون کردن فرضیات در قسمت آمار استنباطی از معادلات ساختاری به روش  $sem\ and\ pls$  استفاده شد و داده ها از سال ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۷ برای متغیرهای کلان اقتصادی در نظر گرفته شده اند.

یافته ها

### برازش مدل های اندازه گیری

در این مرحله، تعیین می شود که آیا مفاهیم نظری به درستی توسط متغیرهای مشاهده شده اندازه گیری شده اند یا خیر. بدین منظور اعتبار سازه ۹ مدل مورد بررسی قرار می گیرد که برای سنجش آن از دو معیار اعتبار همگرایی و اعتبار افتراقی<sup>۱</sup> استفاده می شود. هرگاه یک یا چند خصیصه از طریق دو یا چند روش اندازه گیری شوند همبستگی بین این اندازه گیری ها دو شاخص مهم اعتبار را فراهم می سازد. اگر همبستگی بین نمرات آزمون هایی که خصیصه ی واحدی را اندازه گیری می کند بالا باشد، پرسشنامه دارای اعتبار همگرا می باشد. وجود این همبستگی برای اطمینان از این که آزمون آنچه را که باید سنجیده شود می سنجد، چنانچه همبستگی بین آزمون هایی که خصیصه های متفاوتی را اندازه گیری می کند پایین باشد، آزمون ها دارای اعتبار تشخیصی یا واگرا است. مقدار  $AVE$  باید بیشتر از ۰/۵ باشد. همچنین همان گونه که در جدول (۴-۱۰) نیز ملاحظه می گردد، بارهای عاملی تمامی ابعاد متغیرها نیز بالاتر از ۰/۴ است که نشان می دهد ابزار تحقیق حاضر از روش تحلیل عاملی تأییدی نیز دارای روایی مطلوبی است و تمامی ابعاد به خوبی سازه های خود را تبیین کرده اند. ضریب پایایی مرکب (CR) بالاتر از ۰/۵ است (بایرنی، ۲۰۱۰). جدول ۱، نتایج روایی همگرا را برای ابعاد پرسشنامه نشان می دهد.

جدول ۱: نتایج روایی همگرا ابعاد پرسشنامه (الگوریتم مدل اندازه گیری)

عوامل / گویه	بارعاملی	آماره تی	سطح معنی داری	نتیجه
<- Corporate_inde غیرمالی	۸۸۱.۰	۶۰۷.۴۴	۰۰۰.۰	تایید
<- Political_stability غیرمالی	۸۹۶.۰	۹۲۰.۵۶	۰۰۰.۰	تایید
<- Satisfaction عملکرد	۸۸۶.۰	۸۶۹.۶۱	۰۰۰.۰	تایید
<- growth_rate کلان اقتصادی	۸۶۷.۰	۴۹۹.۴۷	۰۰۰.۰	تایید
<- inflation_rate کلان اقتصادی	۸۸۶.۰	۲۷۸.۶۲	۰۰۰.۰	تایید
<- profit_margi n عملکرد	۸۶۳.۰	۵۰۲.۵۲	۰۰۰.۰	تایید

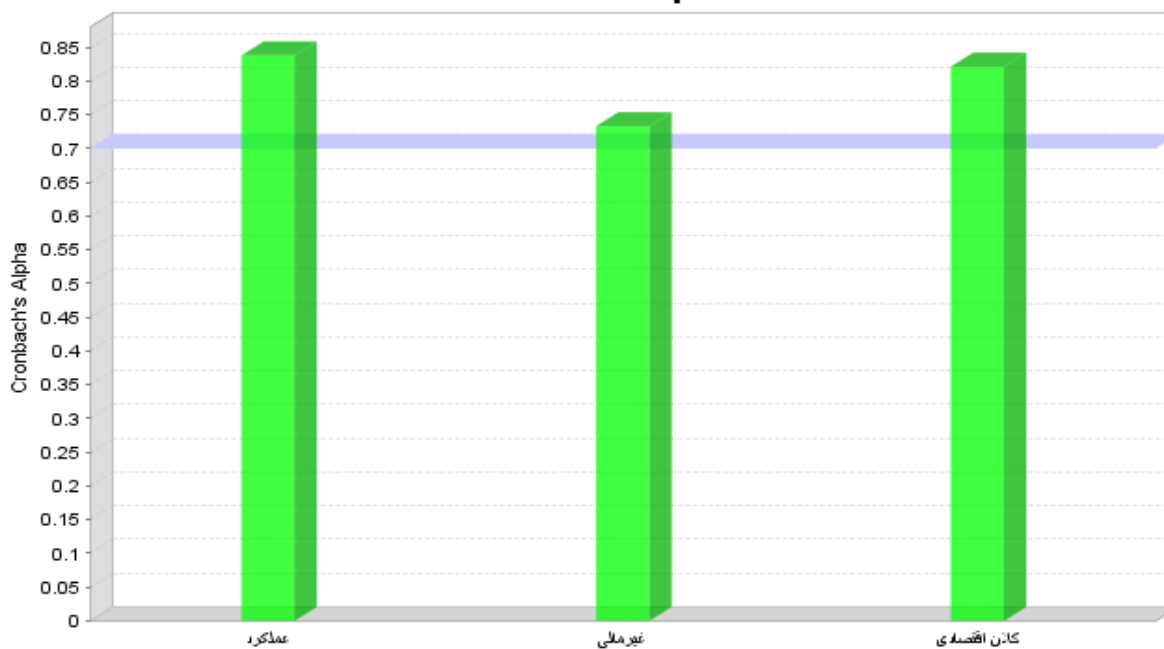
<sup>۱</sup>Construct Validity  
 Convergent Validity  
<sup>۲</sup>Discriminant Validity

تایید	۰۰۰۰۰	۸۹۲.۴۱	۸۵۹.۰	ROA عملکرد <
تایید	۰۰۰۰۰	۶۷۵.۴۳	۸۲۲.۰	unemployment_rate < - اقتصادی کلان

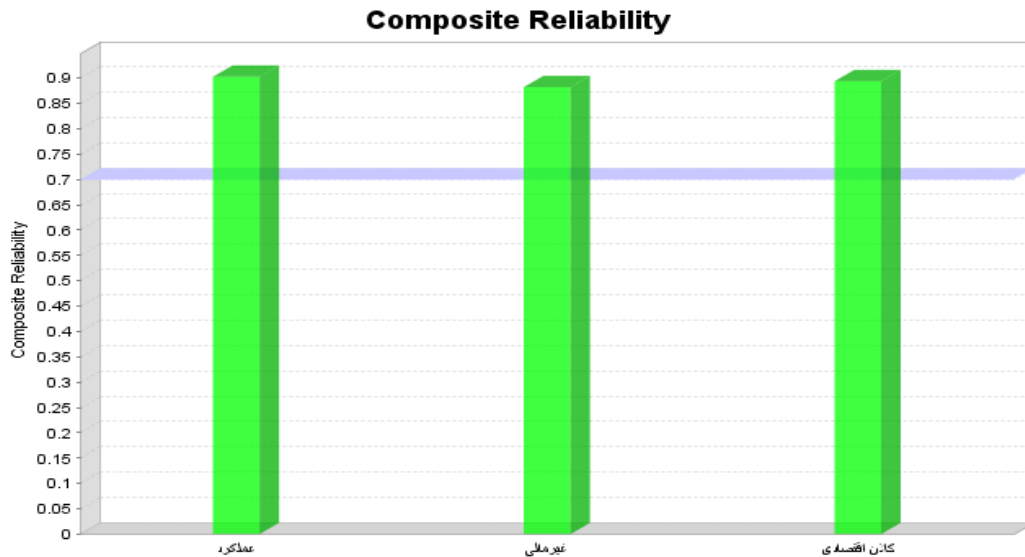
شاخص های روایی	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ ترکیبی	جذر میانگین واریانس
عملکرد	۸۳۸.۰	۹۰۳.۰	۷۵۶.۰
غیر مالی	۷۳۳.۰	۸۸۲.۰	۷۸۹.۰
کلان اقتصادی	۸۲۲.۰	۸۹۴.۰	۷۳۸.۰

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۱

**Cronbach's Alpha**



نمودار ۱: آلفای کرونباخ برای سازه های تحقیق



نمودار (۲): آلفای کرونباخ ترکیبی برای سازه های تحقیق

همانگونه مشاهده می شود با توجه به اینکه میانگین واریانس استخراجی (AVE) و آلفای کرونباخ ترکیبی برای تمامی متغیرهای پژوهش به ترتیب بالاتر از ۰/۵ و ۰/۷ است، می توان بیان نمود ابزار تحقیق از روایی همگرایی قابل قبولی برخوردار است. همه گویه ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار می باشند. معناداری گویه ها بالاتر بودن عدد معناداری از  $\pm 1/96$  است. بنابراین با توجه به مقادیر به دست آمده می توان گفت که اعتبار همگرایی ابزار سنجش تایید می شود. جهت بررسی روایی واگرا نیز در ابتدا ماتریس همبستگی مؤلفه های اصلی مدل تحقیق را مطابق جدول (۱) رسم می نمایم.

جدول (۲): ماتریس همبستگی ابعاد اصلی مدل تحقیق

عملکرد	غیرمالی	کلان اقتصادی	
عملکرد			۱
غیرمالی	۶۳۹.۰	۱	
کلان اقتصادی	۷۸۵.۰	۷۱۱.۰	۱

همچنین با توجه به اینکه با جای گذاری جذر AVE به جای اعداد ۱ در قطر اصلی ماتریس ارائه شده در جدول (۲) ملاحظه می شود که این مقدار برای هر یک از متغیرها بیش از همبستگی یک سازه با سازه های دیگر است، ابزار تحقیق از روایی واگرایی مناسبی نیز برخوردار است.

جدول (۳): بررسی روایی واگرا در جدول همبستگی

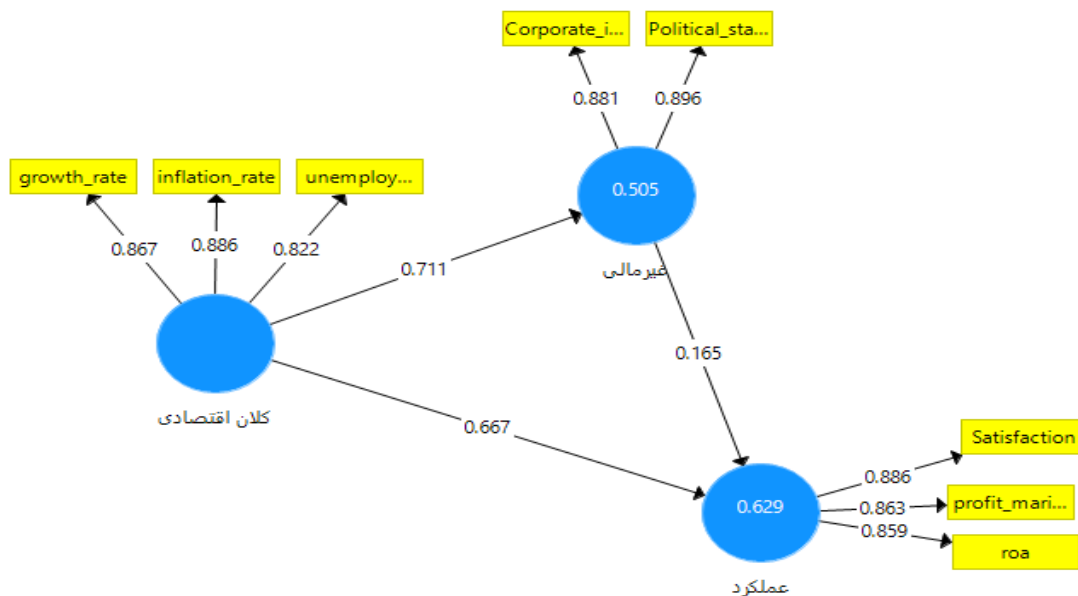
عملکرد	غیرمالی	کلان اقتصادی

		۸۶۹.۰	عملکرد
	۸۸۸.۰	۶۳۹.۰	غیرمالی
۸۵۹.۰	۷۱۱.۰	۷۸۵.۰	کلان اقتصادی

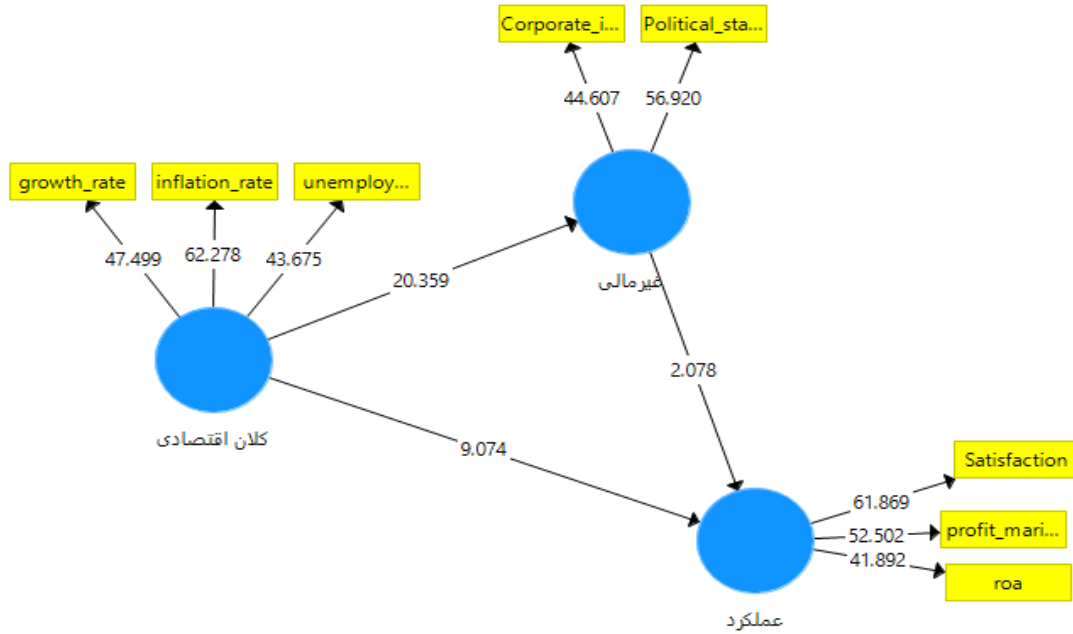
با توجه به تأیید مطلوب بودن مقادیر بارهای عاملی، اعتبار همگرایی، اعتبار افتراقی و پایایی مرکب، برازش مدل اندازه گیری تحقیق مورد تأیید واقع می‌شود.

### برازش مدل ساختاری

پس از تحلیل و بررسی برازش مدل اندازه گیری، در این قسمت به بررسی برازش مدل ساختاری پرداخته می‌شود. در واقع، مرحله دوم در رویه‌ها بهره گیری از تحلیل مسیر، ضریب تعیین و شاخص برازندگی مدل می‌باشد. در تحلیل مسیر، روابط بین متغیرها در یک جهت جریان می‌یابند و به عنوان مسیرهای متمایز در نظر گرفته می‌شوند. مفاهیم تحلیل مسیر در بهترین صورت از طریق ویژگی عمده آن، یعنی نمودار مسیر که پیوندهای علی احتمالی بین متغیرها را آشکار می‌سازد، تبیین می‌شوند (هومن، ۱۳۸۷). نمودارهای (۳-۴) و (۴-۴) مدل معادلات ساختاری و نمودار مسیر مدل تحقیق به همراه اعداد معنی‌داری و ضرایب مسیر نشان می‌دهد



نمودار (۳): مدل مفهومی برازش شده در حالت تخمین استاندارد



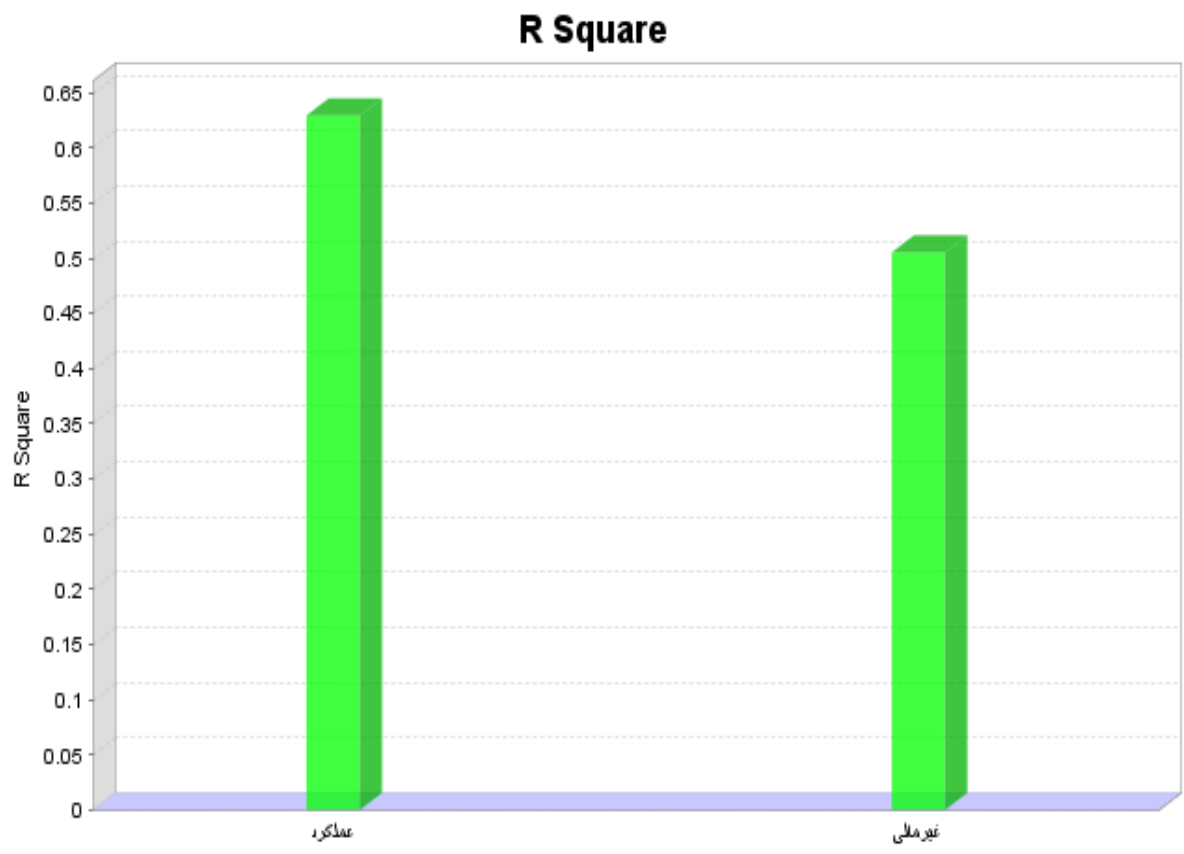
نمودار (۴): مدل مفهومی برازش شده در حالت معناداری پارامترها

#### ضریب تعیین

ضریب تعیین نسبت به ضریب همبستگی معیار گویاتری است. ضریب تعیین مهم‌ترین معیاری است که با آن می‌توان رابطه بین یک یا چند متغیر مستقل با متغیر وابسته را توضیح داد. این ضریب بیان‌کننده درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل می‌باشد. با توجه به شکل ۴-۱۰ ضریب تعیین مدل برازش شده تحقیق با توجه به متغیرهای معنادار آن در جدول (۴-۴) قابل مشاهده است. بر این اساس، حدود ۶۳ درصد از تغییرات متغیر عملکرد شرکت تحت تأثیر عوامل غیرمالی و کلان اقتصادی بیان می‌شود. همچنین ۵۱ تغییرات متغیر غیرمالی توسط عوامل کلان اقتصادی بیان می‌شوند. بقیه عواملی هستند که در مدل در نظر گرفته نشده‌اند.

جدول (۴): ضریب تعیین سازه‌های مدل تحقیق

R Square Adjusted	RSquare	
۶۲۶.۰	۶۲۹.۰	عملکرد
۵۰۳.۰	۵۰۵.۰	غیرمالی



نمودار (۵): ضریب تعیین سازه های مدل تحقیق

## نتیجه گیری

با توجه به این که اعداد معنا داری بالاتر از عدد ۱/۹۶ می باشد، می توان معنا داری مسیر میان دو متغیر را تایید نمود و بر وجود این رابطه صحنه گذاشت. کلیه فرضیه های تحقیق مورد پذیرش قرار می گیرند در نهایت عوامل کلان اقتصادی ۰,۷۹ روی عملکرد شرکت تاثیر گذارند.

در باره متغیرهای کلان اقتصادی تاثیر گذار بر عملکرد شرکت های بیمه می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- یکی از مهم ترین متغیرهای اقتصاد کلان نرخ ارز است شوکهای ارزی نیز همچون متغیرهای اقتصادی مورد بررسی در این تحقیق موجب ایجاد نا اطمینانی و اثرات منفی در عملکرد میشود.
- در سال های اخیر همواره تمایل زیادی بین اقتصاد دانان برای مطالعه رشد اقتصادی و عوامل تاثیر گذار بر آن وجود داشته است. یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی تورم می باشد. تورم از مهمترین پدیده های مضر اقتصادی یک کشور می باشد. بیشتر اقتصاد دانان و سیاستمداران بر این باور هستند که عمده ترین زیانهای ناشی از تورم از طریق ایجاد نا اطمینانی تورمی می باشد. در زمان تورم نا اطمینانی در فعالیت های اقتصادی به شدت افزایش می یابد و فرصت های سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را متوقف می کند.
- شاخص تورم در جوامع مختلف وابسته به شرایط آن جامعه میتواند اثرات منفی یا مثبت داشته باشد، اما در صورتیکه شوکهای تورمی منجر به عدم اطمینان در شاخص تورم شوند، این عدم اطمینان با تخریب نظم حاکم در اختصاص دادن بهینه منابع و عملکرد سیستم قیمتها، هزینه های سنگینی را بر بنگاه های اقتصادی تحمیل می کند که تحت تاثیر این هزینه ها و رفتار عقلایی عوامل اقتصادی در تعیین نرخ تورم انتظاری، نرخ تورم نیز ممکن است افزایش یابد.

درباره متغیرهای غیر مالی و اثربخشی بر روی عملکرد شرکت های بیمه ای می تون اذعان کرد:

- در مورد استقلال شرکت های بیمه از دولت می توان اذعان کرد: در زمینه مالکیت سهام این شرکت ها باید به این نکته اشاره کرد که بر اساس ماده ۴ آیین نامه در مورد سهامداری دولت در تاسیس شرکت های بیمه، پیش بینی شده است که وزارتخانه ها، موسسات دولتی، موسسات و نهادهای عمومی و غیردولتی نمی توانند جزو موسسان شرکت های بیمه باشند. این ماده یک تبصره دارد که بر اساس آن، وزارتخانه ها، موسسات، نهادها و شرکت های موضوع این ماده در مجموع نمی توانند بیش از ۱۰ درصد در موسسه بیمه سهم داشته باشند و این موارد در تاسیس و مالکیت سهام این ۳ شرکت جدید اعمال شده است. توجه به ایجاد فضای رقابتی در صنعت بیمه، ارائه خدمات هرچه بیشتر به عموم جامعه، تمرکز زدایی و گسترش این خدمات در سرتاسر کشور در صدر برنامه های دولت در حوزه مدیریت بیمه قرار گرفته است. اقدامات دولت در این حوزه از طریق تاسیس شرکت های جدید بیمه ای، دفاتر ارتباطی خارجی و صدور پروانه فعالیت کارگزاران و ارزیابان محقق شده است که بر استقلال و کارایی این شرکت ها دامن می زند.

- ثبات سیاسی چه اقتصادی و چه غیر اقتصادی دولت ها از مهم ترین عوامل ایجاد کننده عدم اطمینانی در اقتصاد هستند. تغییرات نرخ ارز نیز به عنوان یک عنصر کلیدی سایر هزینه ها تولید را تحت تاثیر قرار می دهد و با توجه به درجه وابستگی تولید به کالاهای واسطه ای و سرمایه ای وارداتی در کشورها در حال توسعه و نقش ارز در تامین این کالاها موجب شده مطالعه تاثیرات نا اطمینانی نرخ ارز بتواند تصویر روشن تری از شرایط اقتصادی کشور به دست دهد.



با توجه به اینکه نا اطمینانی شرایطی است که در آن رخدادهای ممکن که در آینده اتفاق می افتد مشخص نیست یا اینکه در صورت مشخص بودن، احتمال وقوع آنها یا تابع توزیع احتمال آن نامشخص است. نا اطمینانی پدیده‌ای است که به هیچ وجه خوشایند اقتصاد نیست. این در حالی است که اغلب عوامل به وجود آورنده نا اطمینانی در اقتصاد ایران، به راحتی قابل کنترل هستند. عوامل ساختاری سیاسی، قیمت نفت، سیاست‌های ابلاغ‌نشده، بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، روابط بین‌الملل مبهم و مانند آن، مهم‌ترین عوامل ایجاد نا اطمینانی در اقتصاد ایران هستند که حاصل آن، کاهش حجم فعالیت‌های مولد اقتصادی و حرکت منابع اقتصادی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازانه است. میزان قابل پیش بینی بودن اقتصاد کشور برای تصمیم‌گیران اقتصاد بسیار اهمیت دارد. در واقع می‌توان گفت هر قدر قابلیت پیش بینی اقتصاد کمتر باشد، نشان دهنده سطح بالاتری از نا اطمینانی در اقتصاد است و بالعکس. نبود دانش پیش بینی، علت اصلی نا اطمینانی است.

در نتیجه توصیه می‌شود:

- مستقل شدن شرکت‌های بیمه از مالکیت‌های دولتی در راستای تمرکززدایی و ایجاد فضای رقابتی در صنعت بیمه
- با توسل به مدیریت صحیح سرمایه‌گذاری‌ها جهت دار گردد. با ارائه خدمات بیمه‌ای با نرخ‌های پایین‌تر موجبات ارتقای سطح کیفی خدمات بیمه‌ای فراهم می‌گردد و در سطح کلان اقتصادی، افزایش رفاه عمومی و اثرهای ضدتورمی را در پی خواهد داشت.
- بیمه‌گران می‌توانند از طریق برخی اقدامات خود را در مقابل اثرات احتمالی تورم ایمن‌سازند اما این شرایط مدیریت دقیقی را می‌طلبد و ممکن است همیشه امکان این اقدامات در دسترس نباشد.
- ثبات پولی و مالی، از جمله عوامل مهم تشکیل دهنده ثبات اقتصادی و خروج از بحران‌های سیاسی به حساب می‌آید و اعمال هم‌زمان سیاست‌های مناسب پولی و مالی، زمینه‌تثبات اقتصادی و سرمایه‌گذاری بیشتر شرکت‌های بیمه را فراهم می‌آورد.
- از مهم‌ترین عوامل ایجاد و تشدید نا اطمینانی اقتصادی را می‌توان طراحی سیاست‌ها با دید افق زمانی محدود، و ترجیح منافع کوتاه مدت بر منافع دراز مدت است. علاوه بر این، عوامل ساختاری سیاسی، قیمت نفت، بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، و مانند آن، نیز می‌توانند سهم مهمی در نا اطمینانی فضای اقتصاد کشور داشته باشند که حاصل آن، کاهش حجم فعالیت‌های مولد اقتصادی و حرکت منابع اقتصادی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازانه است.
- پیشنهاد میشود با داشتن نگاه علمی و تخصصی به تفکر استراتژیک در سطح روابط بین‌الملل از ورود افراد غیر کارشناس به این حوزه در سطح کلان جلوگیری به عمل بیاوریم. و با پیاده‌سازی برنامه‌های طولانی مدت استراتژیک و آشتی ملی به بهبود این فضا کمک کنیم.

۱. احسانفر، گلشن، گروسی، الناز، (۱۳۹۵)، دیجیتال شناسایی کد تأثیر دانش مشتری بر عملکرد سازمانی با توجه به نقش مدیریت ارتباط با مشتری و قابلیت بازاریابی در شرکتهای بیمه، پژوهشنامه بیمه/ سال سی و یکم / شماره ۴ / زمستان ۱۳۹۵ / شماره مسلسل ۱۲۴ / صفحات ۴۹ تا ۷۲
۲. احسانی، ر.، (۱۳۸۵) بررسی و تبیین راهکارهای ارتقاء جایگاه صنعت بیمه در بازار سرمایه. دانشگاه آزاد اسلامی. پایاننامه کارشناسی ارشد.
۳. احمدوند، محمدرحیم (۱۳۸۱)، "نقش صنعت بیمه در اقتصاد ملی و بازار سرمایه (بررسی تجربی ه برخی کشورها و عملکرد ایران)"، فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، شماره ۲۲، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
۴. اوپر، ژان لوک، (۱۳۸۷)، بیمه عمر و سایر بیمه های اشخاص، ترجمه محمود صالحی، جانعلی، انتشارات بیمه مرکزی جمهوری اسلامی، تهران، چاپ دوم، ص ۱۵.
۵. پورشهبابی، فرشید؛ (۱۳۹۰)، اثرات نااطمینانی بر اقتصاد ایران (رشد، مصرف، سرمایه گذاری، تقاضای پول و نفت خام)، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده علوم اقتصادی.
۶. جعفری صمیمی، احمد؛ کاردگر، ابراهیم؛ (۱۳۸۵)، آیا توسعه بیمه، رشد اقتصادی را حمایت میکند؟، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی سال ششم شماره دوم.
۷. جهانگرد، اسفندیار (۱۳۷۶)، "نقش صنعت بیمه در ایجاد امنیت اقتصادی ایران"، مجله برنامه و بودجه، شماره های ۲۲ و ۲۳، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۸. جهانگرد اسفندیار؛ (۱۳۹۹)؛ بیمه و رشد اقتصادی در ایران؛ فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، سل ۱۹، شماره ۵۹.
۹. چاسبی نژاد، لینا و مسعود خداپناه، (۱۳۹۵)، برآورد نااطمینانی نرخ ارزشمتر حقیقی و تولید واقعی در ایران، ششمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تبریز، دانشگاه فنی و حرفه ای استان آذربایجان شرقی - سازمان مدیریت صنعتی تبریز،
۱۰. حسنزاده، ع. و کاظم نژاد، .، (۱۳۸۷) مروری بر نقش صنعت بیمه در اقتصاد و بازار سرمایه ایران و برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته. فصلنامه صنعت بیمه، سال بیست و سوم، ش ۳ و ۴.
۱۱. خداوردیزاده، محمد؛ محمد کلامی و صابر خداوردیزاده، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر نااطمینانی تورم بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از رهیافت خودتوضیح برداری با وقفه های گسترده ARDL، نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
۱۲. رنج پور، رضا؛ محمدرضا سلمانی بی شک؛ زهرا کریمی تکانلو و نصرت مختارزاده خانقاهی، (۱۳۹۵)، مطالعه اثرات نااطمینانی نرخ ارزشمتر واقعی بر ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در استان آذربایجان شرقی، چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تبریز، سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان
۱۳. روزه، بو، (۱۳۹۰)، حقوق بیمه، ترجمه حیاتی، محمد، انتشارات بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران چاپ دوم. ص ۱۱۵.
۱۴. شاه آبادی، ابوالفضل؛ یونس سلمانی و سیدآرش ولی نیا، (۱۳۹۵)، ارتباط تورم و نااطمینانی تورمی در ایران با تاکید بر انتظارات عقلایی، دوفصلنامه اقتصاد پولی، مالی ۲۳ (۱۲)

۱۵. شهریار، ب.، (۱۳۸۸) بررسی دلایل اهمیت صنعت بیمه در اقتصاد کلان. مجله الکترونیک بیمه ملت، سال دوم، ش ۱۳.
۱۶. شهیکی تاش، میرباقری جم، (۱۳۹۳)، سنجش ریسک تمرکز رشته فعالیتهای صنعت بیمه در ایران، پژوهشنامه بیمه/ سال بیستونهم/ شماره ۴/ زمستان ۱۳۹۳/ شماره مسلسل ۱۱۶/ صفحات ۸۵ تا ۱۰۹
۱۷. کاردگر، الف.، (۱۳۸۶) توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران. پایاننامه دکتری، دانشگاه مازندران
۱۸. کریمی، محمد؛ (۱۳۹۲)، ارزیابی عملکرد صنعت بیمه کشور و تبیین چشم انداز آینده، فصلنامه سیاستهای مالی و اقتصادی ویژه نامه کارنامه اقتصادی دولت، سال یکم، شماره ۲.
۱۹. کمیجانی، اکبر، محمدی، شاپور، کوششی، مجید، نیاکان، لیلی، (۱۳۹۳)، قیمت گذاری مستمریهای عمر با استفاده از نرخ بهره فنی فازی، پژوهشنامه بیمه/ سال بیستونهم/ شماره ۴/ زمستان ۱۳۹۳/ شماره مسلسل ۳۳۱/ صفحات ۱۱ تا ۱۶
۲۰. متو سلی، م.، جلالی نائینی، س.ع.م.، نورعلیزاده، ح.ر. و میرزایی پری، ی.، (۱۳۹۰). تحلیل نهادی بازار بیمه زندگی کشور: با استفاده از مدل چهار سطحی ویلیامسون. پژوهشنامه بیمه، ۵۱-۷۷ صص، ۱۰۳(۳)
۲۱. مرادی، محسن؛ علیزاده، علی؛ فلاحي، سعید؛ صفدری نیا، شکوفه؛ (۱۳۹۰)، بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی و متغیرهای ساختار سرمایه بر سودآوری صنعت بیمه، فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی شماره ۹.
۲۲. مهدوی نیا، اسماعیل؛ رحمتی، رسول؛ (۱۳۹۴)، نقش صنعت بیمه بر امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری، روزنامه فرصت امروز، شماره ۳۳۰، خرداد ۱۳۹۴.
۲۳. مهدوی، غدیر، علیپور، جلال، (۱۳۹۲)، حذف اثر منفی تورم از بیمه نامه های عمر و سرمایه گذاری به کمک سبد پولی، پژوهشنامه بیمه/ سال بیستونهم/ شماره ۳/ پاییز ۱۳۹۳/ شماره مسلسل ۱۱۵/ صفحات ۵۱ تا ۷۴
۲۴. میرزاده، سیده ثمر؛ احمدعلی اسدپور و سلمان ستوده نیا، (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر ناطمینانی صادرات بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو اوپک، اولین همایش حسابداری، اقتصاد و نوآوری در مدیریت، بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.
۲۵. میرزایی نژاد محمد رضا؛ محمدی مهدی، (۱۳۸۹)، برآورد تابع تقاضای استانی بیمه های بازرگانی در ایران در سالهای ۱۳۸۶-۱۳۸۰، فصلنامه علوم اقتصادی، سال اول، شماره ۴.
۲۶. نشریه سیگما (۲۰۱۳)، انتشارات شرکت بیمه اتکایی سوئیس، شماره ۳

۲۷. Adekunle, O.A. and Olusola O.L., 2011. The effect of insurance business on economic development in Nigeria. *Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences (JETEMS)*, 2(4), pp. 275-80.
۲۸. Coates, S. 2012, 'the effects of recession on insurance', *underwriting faculty technical focus*, no. 6.
۲۹. Chen, J.S, Chen, M.C, Liao, W.J and Chen, T.H. (2009), " Influence of capital structure and operational risk on profitability of life insurance industry in Taiwan", *Journal of Modelling in Management* Vol. 4 No. 1, pp. 7-18
۳۰. Chang, C.H. and Lee, C.C., 2012. Non-Linearity between life insurance and economic development: A revisited approach. *Japan and the World Economy*, 2(3), pp. 215-226.
۳۱. Ghosal, M., 2013. Role of insurance in economic development of India. *International Journal of Business Economics & Management Research*, 2(7), pp. 2249-2266.
۳۲. Ibrahim Muhammad Muya, Ahmad Fahmi Shiekh Hassan Haiss, 2016, Does Islamic Insurance Development Promote Economic Growth? A Panel Data Analysis, *Procedia Economics and Finance* 35 ( 2016 ) 368 – 373
۳۳. Haiss, Peter & Kjell Sümegi (2014), "The Relationship of Insurance and Economic Growth A Theoretical and Empirical Analysis", Paper for Presentation at the 11<sup>th</sup> International Conference on Macroeconomic Analysis and International Finance, May 24–26, at the University of Crete, Rethymno
۳۴. Holsboer, Jan H. (2000), "Repositioning of the Insurance Industry in the Financial Sector and its Economic Role", *The Geneva Papers on Risk and Insurance*, Vol. 24, No. 3, PP. 243-290
۳۵. Karsten Paetzmann, (2011) "Discontinued German life insurance portfolios: rules-in-use, interest rate risk, and Solvency II", *Journal of Financial Regulation and Compliance*, Vol. 19 Iss: 2, pp.117– 138
۳۶. Mirela Cristea\*, Nicu Marcua, Silviu Cârstinaa, 2014, The relationship between insurance and economic growth in Romania compared to the main results in Europe – a theoretical and empirical analysis, *Procedia Economics and Finance* 8 ( 2014 ) 226 – 235.
۳۷. Ranade, Ajit & Ahuja, Rajeev (2005), "Impact on Saving Via Insurance Reform", *Indian Council for Research on International Economic Relations, Working Paper 67*.
۳۸. USAID (2006) Ranade, Ajit & Ahuja, Rajeev (2001), "Impact on Saving Via Insurance Reform", *Indian*
۳۹. Council for Research on International Economic Relations, Working Paper 67., *Assessment on How Strengthening the Insurance Industry in Developing Countries Contributes to Economic Growth*.
۴۰. Ward, Damian & Ralf, Zurbruegg (2003), "Does Insurance Promote Economic Growth – Evidence from OECD Countries", *The Journal of Risk and Insurance*, Vol. 67, No. 4, PP. 489-506.